

چاپ دوم

۱۲

قانون زندگی

نوشداروی بی‌نظمی

جُردن بی. پیترسون

«یکی از متفکران تاثیرگذاری که طی سال‌های اخیر

در صحنه جهانی ظاهر شده است.»

- دِ اسپِکتِیتر (هفته‌نامه‌ای انگلیسی)

ترجمه:

حامد رحمانیان - هادی بهمنی

نشر نوین

فهرست

- پیشگفتار؛ به قلم نورمن دویج..... ۹
- مقدمه..... ۳۳
- قانون ۱: صاف بایستید و شانه‌هایتان را عقب بدهید..... ۴۵
- قانون ۲: با خودتان مانند کسی رفتار کنید که گویی مسئول کمک کردن به او هستید.. ۸۱
- قانون ۳: با افرادی دوست شوید که بهترین‌ها را برایتان می‌خواهند..... ۱۲۵
- قانون ۴: خودتان را با کسی که دیروز بودید مقایسه کنید، نه با کس دیگری که امروز هست..... ۱۴۹
- قانون ۵: اجازه ندهید فرزندان‌تان کاری کنند که از آن‌ها متنفر شوید..... ۱۸۳
- قانون ۶: قبل از آنکه از دنیا انتقاد کنید، رفتار خودتان را اصلاح کنید..... ۲۲۱
- قانون ۷: آن چیزی را دنبال کنید که هدفمند باشد (نه آن چیزی که مصلحت‌آمیز است)..... ۲۳۵
- قانون ۸: راست‌گو باشید – یا حداقل دروغ نگویید..... ۲۷۹
- قانون ۹: تصور کنید طرف مقابل‌تان ممکن است چیزی را بداند که شما نمی‌دانید..... ۳۱۱
- قانون ۱۰: در گفتار خود دقیق باشید..... ۳۳۷
- قانون ۱۱: وقتی بچه‌ها اسکیت سواری می‌کنند، مزاحمشان نشوید..... ۳۶۳
- قانون ۱۲: وقتی به گربه‌ای در خیابان برمی‌خورید، نوازشش کنید..... ۴۱۹
- سخن پایانی: با این قلم نوری جدیدم چه می‌توانم بکنم؟..... ۴۴۳

قانون ۱

صاف بایستید و شانه‌هایتان را عقب بدهید

خرچنگ‌ها - و قلمرو

اگر مثل خیلی از افراد دیگر باشید، پس معمولا به خرچنگ‌ها فکر نمی‌کنید - مگر اینکه مشغول خوردن آن باشید! به هر حال، این سخت‌پوستان جالب و خوشمزه، خیلی ارزش فکر کردن دارند. سیستم عصبی نسبتا ساده‌ی آنها، نورون‌ها (سلول‌های جادویی مغزی) بزرگ و به راحتی قابل مشاهده‌ای دارد. به همین دلیل دانشمندان توانسته‌اند مدار عصبی خرچنگ‌ها را به شکل دقیقی ترسیم کنند. همین امر به ما کمک کرده است تا ساختار و عملکرد مغز و رفتار حیوانات پیچیده‌تر، از جمله خود انسان را، درک کنیم. خرچنگ‌ها بیشتر از آنچه فکر می‌کنید، ویژگی‌های مشترکی با شما دارند (مخصوصا زمانی که بدعنعق می‌شوید - ©).

خرچنگ‌ها در بستر اقیانوس زندگی می‌کنند. آن‌ها در آنجا به یک پایگاه خانگی نیاز دارند، محدوده‌ای که در آن طعمه‌های خود را شکار می‌کنند و در اطراف به دنبال هرگونه اتواشغال‌های سرگردان قابل خوردن هستند که از آشفته بازار همیشگی اجساد و لاشه‌ها در فاصله‌ای بسیار دور از بالای سرشان دائما به پایین فرو می‌ریزد. آن‌ها جایی امن می‌خواهند، جایی که مناسب شکار و دور هم جمع شدن باشد. آن‌ها منزلی می‌خواهند.

طولی نکشید که یک الیکایی وارد خانه‌ی پرنده‌ی ما شد و آنجا را لانه‌ی خودش کرد. در اوایل بهار آواز چهچه‌ی طولانی‌اش را که یکریز تکرار می‌کرد، می‌شنیدیم. با این حال، وقتی که لانه‌ی خود را در آن گاری سرپوشیده ساخته بود، مستأجر پرنده‌ای ما شروع کرد به حمل چوب‌های کوچک به پوتین همسایه که در همان نزدیکی بود. او این پوتین را آنقدر پر کرد که سایر پرنده‌ها، بزرگ و کوچک، امکان داخل شدن نداشتند. همسایه ما از این حمله پیش‌دستانه راضی نبود، اما کاریش نمی‌شد کرد. پدرم گفت: «اگر این پوتین را پایین بیاریم و تمیزش کنیم و دوباره بزاریمش بالای درخت، الیکایی باز می‌پُرش می‌کنه.» الیکایی‌ها کوچک و بامزه، اما بی‌رحماند.

زمستان سال قبلش موقع اسکی - اولین باری که از بالای تپه پایین می‌آمدم - پام شکست و مقداری پول از بیمه مدرسه که برای بچه‌های نگوین بخت و دست و پا چلفتی طراحی شده بود، گرفته بودم. با عواید این بیمه یک دستگاه ضبط کاست (که در آن زمان تکنولوژی پیشرفته‌ای محسوب می‌شد) خریدم. پدرم پیشنهاد داد تا ضبط صوت را در محوطه حیاط چمنی پشتی بگذارم، صدای الیکایی را ضبط کنم و بعدش پخش کنم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. خلاصه در هوای روشن و آفتابی بهار رفتیم بیرون و چند دقیقه‌ای از صدای الیکایی را که خشمگینانه با آواز خواندن در حال نشان دادن قلمروی خودش بود، ضبط کردم. سپس گذاشتم صدای خودش را بشنوند. آن پرنده کوچک، با جثه‌ی یک سوم اندازه گنجشک، به سر من و ضبط صوت فرود آمد و نزدیک بلندگو هی عقب و جلو شیرجه می‌رفت. اینجور رفتار را زیاد دیدیم، حتی در غیاب ضبط صوت. اگر پرنده بزرگ‌تری جرئت می‌کرد روی هر درختی نزدیک خانه‌ی پرنده ما بنشیند و استراحت کند، به احتمال زیاد با حمله‌ی انتحاری یک الیکایی نابود می‌شد.

باید توجه داشت که الیکایی‌ها و خرچنگ‌ها بسیار متفاوتند. خرچنگ‌ها پرواز نمی‌کنند، نمی‌خوانند و روی درخت‌ها نمی‌نشینند. الیکایی‌ها پر دارند و از تیره سخت پوستان نیستند. الیکایی‌ها نمی‌توانند زیر آب نفس بکشند و به ندرت با کره خورده می‌شوند! با این حال، ویژگی‌های مشابه مهمی دارند. برای مثال، هر دوی آنها، همانند بسیاری از موجودات برجسته دیگر، عقده مقام و موقعیت دارند. جانورشناس و روان‌شناس تطبیقی نروژی، ثورلیف

اما این خودش مشکل‌ساز خواهد شد چون تعداد خرچنگ‌ها در آنجا زیاد است. چه می‌شود اگر دو خرچنگ در کف اقیانوس، به طور همزمان قلمرویی مشابه را اشغال کنند و هر دو بخواهند در آنجا زندگی کنند؟ چه می‌شود اگر صدها خرچنگ وجود داشته باشد و همگی بخواهند در قطعه‌ای از ماسه‌ها و آشغال‌ها، زندگی بسازند و خانواده تشکیل بدهند؟

سایر موجودات نیز این مشکل را دارند. برای مثال، وقتی پرنده‌های آوازخوان^۱ در بهار به سمت شمال می‌آیند، وارد جنگی وحشیانه بر سر قلمرو می‌شوند. آن آوازهایشان که برای گوش انسان بسیار آرامش‌بخش و زیبا است، در واقع صداها و فریادهایی حاکی از سلطه‌گری است. پرنده‌های خوش‌الحن، جنگجوی کوچکی است که فرمانروایی خود را اعلام می‌کند. برای نمونه، الیکایی^۲ را در نظر بگیرید؛ یک پرنده‌ی آوازخوان کوچک و پر جنب‌وجوش و حشره‌خوار که در آمریکای شمالی به وفور یافت می‌شود. یک الیکایی تازه از راه رسیده مکانی امن و دور از باد و باران برای ساختن لانه می‌خواهد. او مکانی در مجاورت غذا و جذاب برای جفت‌های احتمالی می‌خواهد. همچنین می‌خواهد محدوده قلمروی خود را به رقبایش نشان دهد تا فاصله‌شان را با او حفظ کنند.

پرندگان - و قلمرو

وقتی ده ساله بودم، من و پدرم خانه‌ای را برای خانواده یک الیکایی درست کردیم. مثل یک گاری بود و در جلو در کوچکی داشت. این خانه برای الیکایی‌های کوچک اندام مناسب بود اما برای دیگر پرندگان بزرگ که نمی‌توانستند داخل بیایند، مناسب نبود. خانم پیر همسایه‌مان نیز خانه‌ی پرنده‌ای داشت که در همان موقع از پوتین لاستیکی کهنه‌ای برایش ساختیم. در این خانه‌ی پرنده، به اندازه کافی برای پرنده‌هایی مثل سینه‌سرخ بزرگ بود. خانم پیر همسایه‌مان منتظر روزی بود که پرنده‌ای وارد این خانه شود.

^۱ - این نوع از پرندگان، برای برقراری ارتباط با هموعانشان آواز می‌خوانند. آنها برای ارتباط با یکدیگر اصواتی آهنگین تولید می‌کنند. این پرندگان شاخه‌نشین هستند و پاهایی با ۳ انگشت رو به جلو و یک انگشت رو به عقب دارند.

^۲ - پرندگانی از راسته گنجشک‌سانان و تیره الیکاییان هستند که جثه‌ای کوچک دارند و بسیار پر جنب‌وجوش هستند.